موضوع: دلالت آيه ولايت بر امامت اميرالمومنين (ع)

مساله سياق در مورد آيه ولايت

سخن در بررسي سياق آياتي بود که آيه ولايت (سوره مائده ، آيه 55) در ميان آنها قرار دارد. عمده دليلي که اهل سنت بر مدعاي خويش که معناي ولايت در اين آيات را محبت و نصرت مي دانند و نه امامت، دليل سياق است. آنان گفته اند از آنجا که در آيات قبل از اين آيه مساله ولايت اهل کتاب مطرح است و مراد از ولايت در آنجا ولاء محبت و نصرت است، معناي ولايت در آيه 55 که در همان سياق قرار دارد نيز همان معنا است.

عالمان شيعه در مقابل مساله سياق نوعا آن را انکار کرده اند و گفته اند صرف اينکه اين آيات پشت سر هم قرار گرفته است در بهره گيري سياق کافي نيست بلکه بايد از جهت معنا نيز با هم مرتبط باشد. اينان مستند به روايات شان نزول گفته اند آيه 55 به صورت مستقل نازل شده و قرار گيري آن در ميان اين آيات به جهت حکمتي بوده است.

مرحوم علامه طباطبايي که کلامش در جلسه گذشته بيان شد هر چند آيه 54 و قضيه ارتداد را مرتبط با آيات قبل از آن مي داند اما سياق را در مورد آيه 55 (آيه ولايت) نپذيرفته و آن را مستقل دانسته است.

نکته: در مورد اينکه آيا ترتيب آيات قرآن کريم توقيفي است يا غير آن دو ديدگاه مطرح شده است: برخي آن را توقيفي دانسته و که توسط پيامبر اکرم (ص) صورت گرفته است. برخي ديگر آن را اجتهادي دانسته که توسط صحابه و بعد از پيامبر اکرم (ص) شکل گرفته است. مرحوم سيد مرتضي و آيت الله خويي از جمله طرفداران ديدگاه اول هستند.

ارزيابي

در اين باره چند نکته قابل توجه است:

1. به نظر مي رسد انکار سياق اين آيات مشکل باشد خصوصا با توجه با اصل سياق و ترتيب آيات و اينکه خلاف آن نيازمند دليل است.

2. تلقي عالمان شيعه رد شان نزول آيات در مورد عباده بن صامت و عبدالله بن ابي بوده است زيرا اين امر را با رواياتي که شان نزول آن را در باره اميرالمومنين (ع) بيان کرده است ناسازگار دانسته اند. به همين خاطر آنان اين شان نزول را که در کتب اهل سنت آمده است رد کرده و شان نزول آن در مورد حضرت اميرالمومنين (ع)‌ که فريقين آن را نقل کرده اند پذيرفته اند. در آنجا آمده است که آيه 51 تا 54 مربوط به عبدالله بن ابي است که رابطه خود را با اهل کتاب قطع نکرد و آيه 55 مربوط به عباده بن صامت است که با اهل کتاب قطع رابطه کرد و سوي پيامبر اکرم (ص) روي آورد.

اما اين دو شان نزول مانعه الجمع نيستند زيرا آيه مي تواند فعل عباده را تاييد کند در عين حال بيان کند که مصداق «الذين آمنوا»، حضرت اميرالمومنين (ع) است . اين دو مطلب در تعارض با هم نيستند. اگر اين دو قضيه به لحاظ تاريخي در يک زمان اتفاق افتاده باشند ، همين نزول آيه مي تواند به هر دو مساله اشاره داشته باشد اما اگر در دو مرحله رخ داده باشد در اين صورت بايد قائل به تعدد نزول شويم.

3. نکته ديگر اينکه صرف روايات شان نزول نمي تواند سياق را به هم بزند زيرا ميان يک مصداق از م.... بنابراين در عين حال که سياق را نفي نمي کنيم بيان مي کنيم که دلالت در آيه يا تنها به معناي زعامت است و يا اعم است از محبت و نصرت و زعامت .

وجوه دلالت آيه بر مساله امامت در عين حفظ سياق

1. آنچه در سياق مهم است يکي ارتباط لفظي آيات و ديگر پيوندي از جهت معنا است . در اينجا نيز ولايت منهيه (يعني آيات 51 تا 54) با ولايت مطلوبه (آيه 55) داراي معناي جامع هستند و آن وقتي است که کلمه ولي را جامع معنوي در سه معناي مورد نظر بدانيم. ولايت محبت و نصرت با امامت و زعامت در ارتباط است و آن همان معناي جامع است که اولويت و قرب است.

براي اين وجه دو مثال مي گوييم:

الف)‌ در کتاب کافي اين روايت آمده است که پيامبر اکرم (ص) وارد مسجد شدند و ديدند مردم دور فردي جمع شده اند . وقتي سوال کردند، گفته شد او علامه است زيرا به علم انساب عرب و اشعار جاهليت آشنا است. حضرت فرمودند: اين علمي است که ندانستن آن ضرري ايجاد نکرده و دانستن آن نفعي ندارد. بعد فرمودند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْل‏»[[1]](#footnote-1).

جامع ميان علم عقايد و اخلاق و احکام، همان علم بودن است و الا اگر اين جامع برداشته شود رابطه اي ميان آنها برقرار نيست.

ب) در مثال عرفي، يک نفر که علم شعبده و سحر را از استادي فرا مي گيرد، مرشد ناصحي به او مي گويد: فلاني که از او علم را مي آموزي معلم نيست، معلم ابن سينا و علامه طباطبايي و شهيد مطهري و ... است.

اشکالي که اهل سنت در اين باره دارند اين است که سياق دلالت دارد که معناي ولايت در آيه، امامت و زعامت نيست . بر اساس آنچه گفته شد روشن شد که اين اشکال نادرست است و دارا بودن معناي امامت در آيه اشکالي ندارد و ناهماهنگ نيست. اما اينکه از کجا بدست مي آيد که مراد از ولايت مطلوبه،‌ امامت است وجوه و دلايل آن قبلا بيان شد مانند اينکه گفته شد از اينکه کلمه ولايت قبل از «الذين آمنوا» به پيامبر اکرم (ص) استناد داده شده است و آن حضرت قطعا داراي سه مقام محبت و نصرت و امامت مومنين بودند، همين سه معنا در مورد الذين آمنوا نيز وجود دارد که بدون تکرار کلمه ولي پشت سر آن آمده است.

2. وجه ديگر اين است که بگوييم علاوه بر معناي جامع ميان ولايت منهيه و ولايت مطلوبه، مصداق نيز مشخص شده است . ولايت در مورد پيامبر اکرم (ص) شامل همه مقام هاي محبت و نصرت و امامت است . حال ولايت اميرالمومنين (ع) نيز که با آن اتصال يافته است ولايتي است که هر سه مقام را دارد .

3. وجه ديگر اين است که ولايت منهيه و ولايت مطلوبه را ولايت محبت و نصرت بگيريم اما بگوييم اين ولايت در مورد پيامبر (ص) ولايتي متناسب با شان نبوت است و ولايت متناسب با شان آن حضرت، ملازم با زعامت است . همين ولايت در مورد الذين آمنوا نيز مي آيد .

4. ولايت در منهيه همان ولايت محبت و نصرت است اما ولايت مطلوبه به معناي امامت است، با اين حال ارتباط معنايي برقرار است . زيرا بلاشک ارتباط با اهل کتاب در اين آيات نهي شده است، مطلق نيست زيرا خود پيامبر اکرم (ص) نيز گاه با آنان ارتباط برقرار مي کردند. معيار جواز و عدم جواز اين ارتباط به پيامبر اکرم (ص)‌ و وصي ايشان باز مي گردد که بر اساس خير و صلاح مسلمين آن را اجازه مي دهند. آيه مي فرمايد مومنان حق ندارند سر خود با يهود و اهل کتاب ارتباط برقرار کنند بلکه اين مساله بايد به صلاح ديد ولي امر باشد. بنابراين در اينجا ارتباط حکمي ميان اين دو ولايت برقرار است .

5. ولايت منهيه در آيه ولايت محبت و نصرت و ولايت مطلوبه ولايت امامت است . در جهان بيني اسلامي ولايت و زعامت، لوازمي دارد که محبت و نصرت از آن جمله است . قرآن کريم يک جا درباره پيامبر اکرم (ص) مي فرمايد: «النَّبِيُّ أَوْلى‏ بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ أَنْفُسِهِم‏»[[2]](#footnote-2) و در جاي ديگر مي فرمايد: «لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَريصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنينَ رَؤُفٌ رَحيمٌ »[[3]](#footnote-3). در اسلام امامت و زعامت لوازمي دارد که از جمله آنها خيرخواهي و محبت و نصرت نسبت به مومنين است . در اينجا ولايت يک معناي مطابقي دارد و آن معنا لوازمي دارد که از آن جمله محبت و نصرت است . اگر کسي کلمه ولي را مشترک لفظي بداند ، اين وجه براي وي مناسب است .

6. اساسا ولايت در ولايت منهيه اعم است. شما چگونه آن را منحصر در محبت و نصرت دانسته ايد. قرآن کريم مي فرمايد مومنان نبايد ولايت اهل کتاب اعم از محبت و نصرت و زعامت آنان را بپذيرند. در طول تاريخ متاسفانه پذيرش ولايت زعاعت غير مسلمانان از سوي مسلمانان فراوان رخ داده و مشکلات فراواني را براي آنها به همراه داشته است . قرآن کريم مومنان را از چنين ولايتي نهي نموده است . آيه ولايت نيز همين سه معنا را به عنوان ولايت مطلوب بيان مي کند .

ادامه بحث انشاء الله در سال آينده دنبال مي شود.

1. کافی، مرحوم کلینی، ج1، ص32 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره احزاب، آیه 6 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره توبه، آیه 128 [↑](#footnote-ref-3)